

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵) تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" میتوانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰، پیام‌رسان‌های ایتا و بله؛

*- صوت ۱۳۱ اجتماع الوجوب الغیری مع الحرمه النفسیه

*- ۲۹۳/۲ اجتماع الوجوب الغیری مع الحرمه النفسیه: وقتی یک در زمین غصبی و می‌خواهد برگردد باید با قدم زدن برگردد و شما گفتید این باز قدم زدن در زمین مغضوب است. از اون طرف می‌گویید که بیرون رفتن از زمین غصبی واجب است و این باید قدم بزند که بتواند از زمین غصبی بیرون برود. پس قدم زدن مقدمه واجب میشود! پس اینجا هم قدم زدن حرام است و هم واجب. پس اجتماع امر و نهی است.

سه دیدگاه در اینجا وجود دارد :

دیدگاه الف : اصلاً این قدم زدن برای خروج مقدمه واجب نیست و کماکان حرام است و اصلاً موضوع اجتماع امر و نهی نیست.

دیدگاه ب : این قدم زدن برای خروج هم حرام است ولی تخصیص اومده و این قدم زدن برای خروج را از حرام بودن خارج کرده‌ست.

دیدگاه ج : بگوییم این قاعده وجوب المقدمه استثناء برداشته است. سؤال : مگر این قاعده میتواند استثناء بردارد؟ می‌گوییم بله چون ما در جای خودش میدانیم که مدرک نهایی وجدان انسان است همون وجدان در یک همچنین جایی درک میکند که اینجا استثناء شده است.

*- ۲۹۳/۷ أمّا الوجه الأول فحاصله: بررسی دیدگاه الف : مگر ما یک قاعده ای نداریم که فعل احد الضدین لیس مقدمه لترك الضدين. مثلاً الان مسجد نجس شده و یک ازاله نجاست گردن ماست و یک نمازی هم روی گردن ماست. تا زمانی که ازاله مسجد باشد نمیتوانیم نماز بخونیم. و اگر مشغول به ازاله شویم دیگر نماز نمیتوانیم بخوانیم. یعنی اگر ازاله را ترك

کنیم میتوانیم نماز بخوانیم. آقایان در اصول گفتند نمیشود فعل یکی از دو ضد مقدمه دیگری باشد. زیرا دور لازم می آید. در حلقه ثانیه خواندیم و بعدا در حلقه ثالثه باز میرسیم.

شما ببینید ما اینجا دو حالت داریم یا این شخص باید از این زمین خارج بشود یا باید بماند. خود خارج شدن میخواهد مقدمه تخلص از غضب باشد. خروج و بقاء اینها با همدیگر ضد هستند چه چیزی الان بر این واجب است ترك البقاء؛ بقاء در این زمین را ترك کنی. وظیفه شرعی ترك البقاء است. پس خروج شد مقدمه ترك البقاء. یعنی فعل احد الضدین شد مقدمه ترك ضد دیگر. و این نمیشود.

*- ۲۹۳/۸ وهذا الوجه - حتى إذا تمّ - لا يحلّ المشكله على العموم: شهید صدر میفرماید اولاً این را قبول نداریم و بعدا بررسی میشود. ولی شهید میگوید این حرف شما تمام باشد. این بنحو کبرای کلی مشکل را حل نمیکند و فقط همین مورد را میتواند حل کند. چون این یک مسأله بوده که طرفین ضدین بودن و یکی شده مقدمه ترك ضد دیگری و ما مثالهایی میتوانیم بیاریم که ضدین نباشند و یکی از دو امر مقدمه ترك ضد دیگری نمیشود و محال نمیشود. مثلاً شخصی به سوء اختیار کاری میکند که مریض میشود. حالا که به بیماری انداخته این ناچار میشود برای علاج این بیماری مهلك يك ماده حرامی را بخورد مثلاً شرب الخمر کند. در يك همچین جایی که اینها ضدین نیستند یعنی مقدمیت شرب الخمر نسبت به حفظ جان، تضاد میان اینها مطرح نیست. چه تضادی میان این دو وجوب دارد از قضاء اینها متلازم هستند. لذا اینجا رابطه تضاد نیست و شما مثالی زدید که تضاد داشتند.

*- ۲۹۴/۱ وأما الوجه الثاني فلا يمكن الأخذ: این میگوید دلیل حرمت غضب اصلاً شامل يك همچین حصه نیست. دلیل این حرفش چیست؟ میگوید دلیل ندارد ولی چاره‌ای نداریم. خب بالاخره اونچه ما فقهاً به آن میرسیم این است و در اصول میخواهیم يك تحلیل مقبول پیدا کنیم. یعنی بر اساس نظام کلی شریعت به این رسیدیم باید از زمین مردم خارج شد ولی در تحلیل گاهی می‌مانیم. یعنی بالاخره باید از زمین بیرون بیاید. چون نمیتوانیم تحلیل کنیم میگوییم بالاخره میگوییم از اول حرمت شامل این نبوده است. یعنی تا زمانی که نتوانیم تحلیل کنیم مجبور شدیم اینجوری بگوییم. یعنی تا میشود باید توجیه فنی کنیم ولی اگر نتوانستیم توجیه فنی کنیم میگوییم از اول حرمت نداشته است چون میدانیم حتماً باید از زمین خارج بشود. چون اگر تحت عنوان نهی قرار بگیرد با مشکل برمیخوریم. پس شاید اصلاً تحت عنوان نهی نبوده است.

*- ۲۹۴/۲ وأما الوجه الثالث فهو المتعين: شهید این وجه ثالث را می‌پذیرد. اینکه قائل به استثناء بشویم یعنی انحراف. این را از طریق وجدان فهمیده ایم.

شهید صدر سه حالت را برای مثال ذکر میکنند:

حالت و مثال اول: فرض کنید که مقدمه تقسیم میشود به افرادی که برخی از افراد مباح است و برخی حرام است. مثلاً مولا میگوید عبد برو غذا بیار. حالا یا عبد میرود از سر یخچال خودشون می‌آورد و یا عبد برود دزدی کند. هر دو مقدمه اطاعت امر مولا است و یکی مباح است و یکی حرام است. در این حالت اگر ما قائل ملازمه میان وجوب ذی المقدمه و مقدمه شدیم

و گفتیم مقدمه به وجوب غیری لازم است، طبیعی است که اون وجوب نمی‌رود سراغ کار حرام. اگر عبد رفت دزدی کرد، گردن خودش است.

حالت دیگر این است که اگر این مقدمه دارای افرادی هم بر فرض بوده است الان فقط و فقط منحصر در یک فرد است. و این کار را هم مکلف نکرده است. مثلاً شخصی در آبی دارد غرق میشود و شما مجبورید برای انقاذ او باید وارد زمین غصبی بشوید. این مقدمه رفتن به سمت غریق حرام است ولی تقصیر شما نیست و شما گناهی نکردید. اینجا ما به ملاکات نگاه میکنیم و بحث تراحم. اگر اون ذی المقدمه اهم باشد مقدمه اهم میشود.

حالت سوم جایی است که این عمل دارای فردین مباح و حرام است. آلاً اینکه خود این مکلف بسوء الاختیار کاری کرده است که فرد مباح از بین برود. مثلاً شخصی بالای برجی است و مولا میگوید بیا تو خیابان کار باهات دارم. و خود این عبد برود راه پله را خراب کند و بگوید مولا راه پله خراب است. خب این تقصیر خودش است.

شهید صدر از این سه حالت، حالت سوم محل بحث ماست.

*- ۲۹۴/۴ **وفی هذه الحالة یدرک العقل**: در این حالت عقل میگوید این اضطرار مصحح و مبرّر، توجه وجوب غیری به آن فرد محرم است زیرا این بسوء الاختیار بوده است. عقل میگوید اون فرد محرم واجب نمیگردد و محرم باقی میماند. مشکل این بود که این باید از این زمین خارج شود و خروج این از زمین میشود مقدمه واجب و واجب است و از اونطرف چون تصرف مال غیر است حرام است و شد اجتماع امر و نهی شد. شهید میگوید نه اجتماع نیست چون حتی در حالت خروج حرام است. و اصلاً اجتماعی نیست.

شاید پرسید خب اگر بایستد حرام است و اگر بخواهد خارج بشود هم حرام است. پس در هر حالت کار حرام است، چکار باید کند؟

شهید میگوید اینجا انتخاب بین خوب و بد نیست بلکه انتخاب میان بد و بدتر است. اگر بمانی ۱۰۰ چوب داری. و اگر به قصد خروج از زمین ترک کنی ۵۰ چوب داری. زیرا با هر قدمی که خارج میشود به این نزدیک تری که دیگر گناه ادامه دار نباشد.